

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

بهرام رحمانی
۲۸ سپتمبر ۲۰۱۳

«نرمش قهرمانانه» و سپاه پاسداران «محبوب دل ها»؟!؟

مقدمه

سیدعلی خامنه ای، رهبر حکومت اسلامی ایران، با اشاره به این که سپاه «باید بدانند از چه می خواهد پاسداری کند» گفت که «لزومی ندارد سپاه در عرصه سیاسی پاسداری کند، اما باید عرصه سیاست را بشناسد.» به گزارش خبرگزاری های حکومتی ایران، خامنه ای روز سه شنبه ۲۶ شهریور [سنبله] ۱۳۹۲، در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران آن چه را «کارنامه درخشان سپاه» خواند، «نمایشگر تجربه یک ملت» دانسته است.

یک روز پیش از این دیدار خامنه ای با فرماندهان سپاه، حسن روحانی رئیس جمهور حکومت اسلامی ایران نیز از سپاه پاسداران خواست که «سیاست را خوب بفهمد، ولی وارد آن نشود»، چون به گفته او «سپاه به کل ملت ایران تعلق دارد.» با وجود این، روحانی از حضور سپاه در اقتصاد ایران دفاع کرد و حتی از آن دعوت کرد تا «سه، چهار پروژه ملی اقتصادی را بر عهده بگیرد.»

خامنه ای روز سه شنبه ۲۶ شهریور ماه، هم چنین گفت که با «حرکت های صحیح دیپلماسی» مخالف نیست و افزود: «به چیزی که سال ها پیش «نرمش قهرمانانه» نام گذاری شد اعتقاد دارد.»

در حالی که حسن روحانی و بارک اوباما در سازمان ملل سخنرانی کردند، سرداران سپاه همانند روزهای گذشته، به امریکا خط و نشان می کشند. فرمانده بسیج خواستار مذاکره با ایالات متحده در خصوص «محو اسرائیل» شد و مسؤول تبلیغات دفاعی نظامی هم تأکید کرد که باید به واشنگتن «بدبین» بود. همزمان فرمانده نیروی دریایی سپاه، منافع امریکا در خلیج فارس را به زیر سؤال برده، معاون فرمانده سپاه از پاسخ «پشیمان کننده» تهران به تهدید دشمنان سخن گفته و مشاور فرمانده سپاه نیز از کشته شدن ۳۰ هزار سرباز امریکائی در روز نخست جنگ با ایران خبر داده است.

سردار نقدی فرمانده بسیج، برای تبیین اصطلاح «نرمش قهرمانانه»، گفته است: «نرمش قهرمانانه یعنی در مقابل دشمنی که از رژیم جنایت کار و غاصب صهیونیستی دفاع می کند، آن گاه که تقاضای مذاکره دارد در مقابلش بر ایستادگی انقلاب برای محو اسرائیل تأکید شود و با این رویکرد برای مسائل هسته ای و غیره مذاکره کرد.»

خامنه ای در حالی که ۲۲ بهمن [دلو] سال گذشته خود را یک «انقلابی و نه یک دیپلمات» توصیف کرده بود، هفته گذشته در دیدار با سرداران سپاه پاسداران، به استقبال «دیپلماسی» رفت و گفت: «مسأله ای که سال های پیش نرمش قهرمانانه خواندم موافقم چرا که این حرکت در مواقعی بسیار خوب و لازم است.»

روز دوشنبه، سردار جزایری رئیس تبلیغات دفاعی، خاطرنشان کرد: «باید با نگاه بدبینانه به امریکا نگاه کرد و هر گونه خوش بینی در برخورد به پیشنهادات و تبلیغات امریکا در سیاست کلان ایران مردود تلقی می شود.»

گوهر عشقی مادر ستار بهشتی، وبلاگ نویسی که در زندان جان باخت، نامه ای به بان گی مون، دبیرکل سازمان ملل متحد، نوشته و از او خواسته است تا با رایزنی با حسن روحانی زمینه را برای رسیدگی به پرونده فرزندش و حل و فصل آن، فراهم آورد. ستار بهشتی، وبلاگ نویس منتقد جمهوری اسلامی بود که پولیس سایبری ایران او را آبان ماه [عقرب] سال گذشته بازداشت کرد و پس از گذشت چند روز در زندان، در زیر شکنجه جان باخت.

حسن روحانی، رئیس جمهور حکومت اسلامی ایران، سپاه پاسداران را «محبوب دل ها» توصیف کرد و خواستار بر عهده گرفتن «پروژه های بزرگ ملی» توسط سپاه شد. به گزارش خبرگزاری های ایران، روحانی، دوشنبه ۲۵ شهریور ۱۳۹۲، در جمع فرماندهان و مسئولان ارشد سپاه، گفت: «در شرایطی که اقتصاد ما هدف قرار گرفته است سپاه باید وارد عمل شود و سه - چهار پروژه بزرگ ملی را برعهده بگیرد.»

روحانی، هم چنین تأکید نمود: «شایعاتی» که درباره سپاه پاسداران مطرح می شود را «اصلاً قبول ندارم» و از این که «می خواهند سپاه را رقیب مردم قرار دهند»، انتقاد کرد. او، گفت: «سپاه رقیب مردم و بخش خصوصی پیمانکاری مثل پیمانکاران معمولی نیست و نبوده» و افزود: «سپاه امروز باید پروژه های مهمی که بخش خصوصی توان آن را ندارد برعهده بگیرد.»

او، گفت: «در همه روزهای اولیه که برای استقرار این انقلاب و نظام اسلامی ضروری بود پاسداران اسلام از جان خود مایه گذشتند، همه جای ایستاده و فداکاری کردند و هر موقع احساس خطر شد سپاه پاسداران در خط مقدم دفاع از انقلاب حضور یافت.»

روحانی، با اشاره به این که سوریه در یک نقطه بسیار حساس قرار گرفته، گفت: «دعوا بر سر رئیس جمهور یا یک طایفه نیست برای همه روشن است که غرب برای کل منطقه تصمیم دارد و منطقه را به دلایل مختلف نمی پسندد.» او، با اشاره به این که شرایط منطقه بسیار حساس است، گفت: «در لیبیا، مصر، بحرین، تونس و سوریه یک روند مشابهی وجود دارد و مانند حلقه های یک زنجیره واحد هستند به طوری که در همه این کشورها به دنبال حفظ منافع اسرائیل و تضعیف خطوط مقاومت در برابر غرب و اسرائیل هستند، مسأله سوریه مسأله یک کشور نیست بلکه مسأله منطقه و حتماً تمام دنیاست.»

او، با بیان این که مردم منطقه و جمهوری اسلامی ایران در مسأله سوریه بی تفاوت نخواهند بود، گفت: «جمهوری اسلامی ایران در مسأله سرنوشت ساز سوریه هرگز بی تفاوت نبوده و نخواهد بود، ما به وظیفه خود عمل می کنیم تا انشاء الله خداوند ملت ها را در برابر توطئه دشمنان پیروز خواهد کرد.»

او، با تأکید بر این که «سپاه آستین ها را بالا زده تا بخشی از بار دولت را به دوش بکشد»، ادامه داد: «البته این بار، بار دولت نیست بلکه بار نظام اسلامی است، دولت هم خادم ملت است.»

روحانی، افزود: «به عنوان رئیس جمهور کشور از شما می خواهم در دو بخشی که دولت با مشکل مواجه است سپاه وارد عمل شده و کمک کند.»

نهایتاً آیت الله علی خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی هفته گذشته از «نرمش قهرمانانه» در سیاست خارجی ایران دفاع کرده بود و از سپاه خواسته بود تا در سیاست دخالت نکند. روحانی نیز در سخنرانی روز یکشنبه خود در مراسم رژه نیروهای مسلح ایران، «ملت ایران» را «آماده مذاکره با غرب» دانسته و گفت: «ما حاضریم به شرط آن که پیش شرطی برای مذاکره وجود نداشته باشد و مذاکرات از موضع برابر و احترام متقابل صورت گیرد با غرب مذاکره کنیم.»

پس از علنی شدن نامه های رد و بدل شده بین اوباما و روحانی و اظهار نظر آن ها، بسیاری از رسانه های داخلی و بین المللی پیش بینی می کنند که سفر روحانی به نیویورک و دیدار احتمالی او با بارک اوباما، همتای امریکائی اش، باعث کاهش تنش ها میان ایران و امریکا و بهبود روابط دو جانبه پس از سه دهه خصومت شود.

روابط دیپلماتیک و سیاسی ایران و امریکا، پس از حمله دانش جویان مسلمان موسوم به «پیرو خط امام» به سفارت امریکا در تهران در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ تاکنون متوقف شد.

اما برخی فرماندهان ارشد سپاه پاسداران و بسیج در نخستین روز از هفته موسوم به «دفاع مقدس» به سیاست های ایالات متحده امریکا در خاورمیانه حمله و تهدید کردند که سپاه تسلیحات لازم برای نابودی ناوهای امریکا را در خلیج فارس دارد. به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا، علی فدوی، فرمانده نیروی دریایی سپاه، روز یکشنبه ۳۱ شهریور، گفته که این نیرو «تسلیحات لازم جهت انهدام ناوها و هواپیماهای امریکائی در خلیج فارس» را در اختیار دارد. او، حضور نیروهای نظامی امریکا در خلیج فارس را به معنی «قرار گرفتن آنها در معرض نابودی کامل» دانسته است.

حسین سلامی، جانشین فرمانده کل سپاه هم، این نهاد را دارای «قدرت ویژه ای» توصیف کرده که توانایی آن را دارد تا «تمام شناورها در خلیج فارس را متوقف و منطقه را به پارکینگ شناورها» تبدیل کند.

دریادار فدوی، فرمانده نیروی دریایی سپاه نیز در سخنانی مشابه با سردار سلامی گفته که «ستراتژی بلندمدت امریکائی ها در نیروی دریایی بر مبنای ناوهای بزرگ بود اما این ناوها و شناورهای عظیم الجثه امروز بیشترین آسیب پذیری را در مواجهه با توانمندی سپاه در حوزه مین دریایی، شناورهای تندرو و موشکی دارند.» به گفته او، امریکا از «قسمت زیادی از توانمندی های سپاه مطلع است»، اما «آن چه آن ها مطلع نیستند بسیار گسترده تر از آن چیزی است که خیر دارند.»

این اظهارات تهدیدآمیز در آستانه سفر حسن روحانی رئیس جمهوری ایران و همراهانش به امریکا برای شرکت در مجمع عمومی سالانه سازمان ملل متحد، بیان می شود حائز اهمیت است.

جالب تر و مضحک تر از همه، موضع محمدرضا نقدی رئیس سازمان بسیج مستضعفین است. او گفته است: «نرمش قهرمانانه» به معنی مذاکره با امریکا با رویکرد محو اسرائیل است. «نرمش قهرمانانه یعنی در مقابل دشمنی که از رژیم جنایت کار صهیونیستی دفاع می کند، آن گاه که تقاضای مذاکره دارد، بر محو اسرائیل تأکید شود.» رئیس سازمان بسیج مستضعفین، گفته است: آن هائی که «از صلح امام حسن دم می زنند»، این کار را «از روی نادانی و جهالت» انجام می دهند و «بی شک اگر تکرار کنند از ملت تودهنی خواهند خورد.»

این مواضع خامنه ای و روحانی و فرماندهان سپه و بسیج، نشان می دهند که به احتمال قوی برخی فرماندهان سپاه پاسداران، با سیاست های تازه آن ها در عرصه سیاست خارجی و دیپلماتیک موافق نیستند. به این دلیل، آن ها می خواهند از یک سو، سپاه را از ورود بیش تر به عرصه سیاسی باز دارند و از سوی دیگر، آن ها را با سیاست های جدیدشان همراه سازند. در هر صورت سپاه یک ارگان مخوف و قدرت مندی است از این رو، شاید هم خامنه ای و روحانی نیز از این نیرو وحشت داشته باشند!

جدا از این مسایل، اما اکنون به نظر می رسد دولت روحانی قصد دارد، جدی تر از دولت احمدی نژاد، به سپاه پاسداران جایگاه و موقیت ویژه تری اختصاص دهد. روحانی، می گوید «سپاه شرایط کشور و دولت را به خوبی می داند»، افزود: «چون ما کشوری هستیم که دو میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه نفت می فروختیم و امروز این رقم به کم تر یک میلیون بشکه رسیده است، آن هم در سالی که باید هفت میلیون و ۵۰۰ هزار تن گندم وارد کنیم. پس سپاه باید آستین

را بالا بزند و بخشی از بار دولت را بر دوش بگیرد.» در همین مراسم، عزیز جعفری، فرمانده کل سپاه نیز در جواب روحانی، گفته که این نهاد «آماده همکاری با دولت» است.

قدرت اقتصادی سپاه پاسداران

سپاه پاسداران، در ۲۶ شهریور سال ۱۳۶۴، با فرمان خمینی، دارای سه نیروی زمینی، هوایی و دریایی تأسیس گردید. بعد از جنگ و مرگ خمینی و به قدرت رسیدن خامنه ای به جای او و در فرماندهی نیروهای نظامی، دو نیروی دیگر بر ساختار سپاه افزوده شد: سپاه قدس و مقاومت بسیج. به این ترتیب، سپاه دارای پنج نیرو شده است.

سپاه پاسداران در قالب طرح های عمرانی، فعالیت اقتصادی خود را با حمایت خامنه ای و رفسنجانی شروع کرد. سپاه، ابتداء قرارگاه های بازسازی معروف به «قرب» را در نیروی هوایی، دریایی، زمینی، بسیج و ستاد متشکک سپاه راه انداخت و به دنبال آن قرارگاه خاتم الانبیاء را در سال ۱۳۶۹ تأسیس کرد و سپس شرکت های متعددی را به اسامی مختلف تشکیل داد. این شرکت ها، در بخش های صنعتی و معدنی، راه سازی، حمل و نقل، صادرات و واردات، آموزش و فرهنگ، کشاورزی و...، فعالیت می کنند.

از تعداد شرکت های وابسته به سپاه، میزان سرمایه و حوزه های کار آن ها اطلاعات کافی در دسترس نیست. سپاه در طی کم تر از دو دهه، پروژه های متعددی به عهده گرفته و به گفته سردار سرتیپ پاسدار عبدالرضا عابدزاده جانشین قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء، حدود ۱۲۲۰ پروژه ملی و منطقه ای، عمومی، صنعتی و معدنی را اجرا کرده و ۲۴۷ پروژه هم در دست اجرا دارد.

وزارتخانه های مختلف از جمله وزارت نفت، راه، نیرو و شهرداری تهران پروژه های زیادی را به سپاه واگذار کرده اند. احمدی نژاد، هنگامی که شهردار تهران بود، قراردادهای زیادی را با سپاه بست. او، در پاسخ به خبرنگاران درباره علت چنین تصمیمی بدون برگزاری تشریفات مناقصه گفت: «بیمانکاران دولتی به دلیل داشتن تجربه در کار و ارائه قیمت پائین، مورد قبول شهرداری هستند.» (دهم بهمن ۱۳۸۲) احمدی نژاد، افزود: «یکی از شرکت های وابسته به بنیاد مستضعفان و هم چنین قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پذیرفته اند با پائین ترین قیمت در خدمت مردم باشند.»

جریان فرودگاه امام خمینی، یک از اقدامات جالب سپاه است. هنگام افتتاح فرودگاه خمینی در دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی، سپاه خودروهای خود را روی باند فرودگاه فرستاد و آن را بست. تا این تاریخ، این فرودگاه در دست یک شرکت ترکیه ای بود و بهانه سپاه این بود که امنیت کشور را نباید به دست یک شرکت خارجی واگذار کرد. اما پشت پرده این کشاکش موضوع مهمی نهفته بود. هدف سپاه، این بود که بدون کنترل دولت و پرداخت تعرفه گمرکی از طریق هوایی کالاهای خود را وارد کشور کند. سرانجام، قرارداد با شرکت ترکیه ای لغو شد و وزیر راه نیز توسط مجلس استیضاح و برکنار گردید. احمد خرم وزیر راه در مجلس، گفت اقداماتش با تأیید خامنه ای بوده و در طول یک هفته قبل از افتتاح فرودگاه با دفتر وی در تماس بوده و رفع اشکالات را به او خبر داده و از او تأییدیه گرفته است.

در دوره دولت احمدی نژاد، فعالیت اقتصادی سپاه نسبت به گذشته بیش تر شد. در طی یک ماه، دولت احمدی نژاد چهار قرارداد بزرگ با سپاه منعقد کرد که مبلغ سه قرارداد بیش از ۷ میلیارد دالر است. با این قراردادهای، میزان فعالیت اقتصادی سپاه به طور قابل توجهی بالا رفت. وزیر نفت نیز از میان فرماندهان سپاه انتخاب شد و به گفته او، واگذاری پروژه ها به سپاه، هم چنان ادامه خواهد داشت. او هنگام عقد قرارداد اول با سپاه گفت: «این پروژه اولین پروژه سپاه پاسداران با مجموعه نفت نیست و در امتداد کارهای گذشته انجام می شود. البته این امکان وجود داشت که این پروژه را

به چند شرکت و اگذار کنیم، ولی به دلیل توان قابل توجه قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء در اجرای خطوط لوله، تصمیم به سپردن کار به این شرکت گرفته شد.»

نخستین قرارداد بین شرکت ملی گاز ایران و قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء منعقد گردید. این قرارداد احداث خط لوله گاز برای انتقال ۵۰ میلیون متر مکعب از گاز عسلویه از طریق استان هرمزگان به استان سیستان و بلوچستان به طول ۹۰۰ کیلومتر است. مبلغ قرارداد ۳/۱ میلیارد دالر است. در مراسم امضای این قرارداد که مهم‌ترین پروژه نفتی و اگذار شده به سپاه پاسداران است کاظم وزیری همامانه وزیر نفت و سردار رحیم صفوی فرمانده سپاه پاسداران حضور داشتند.

هنوز سه روز پیش‌تر از امضای این قرارداد سه میلیارد دلاری بین وزارت نفت و سپاه نگذشته بود که یکی دیگر از شرکت‌های وابسته به سپاه پاسداران (شرکت ملی ساختمان) و یک شرکت وابسته به بنیاد مستضعفان (شرکت قرب)، قراردادی ۲/۴ میلیارد دلاری با متروی تهران امضاء کردند.

بنا به گزارش رسانه‌های حکومت اسلامی، سرمایه توسعه فازها ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی به قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء سپرده شد. مبلغ قرارداد ۲/۵ میلیارد دالر است.

هم‌چنین به گزارش خبرگزاری‌ها، وزارت نیرو تمامی پروژه‌های عمرانی آب و برق غرب کشور را به سپاه پاسداران و اگذار کرده است. در قراردادی بین وزارت نیرو و سپاه، کلیه پروژه‌های برقی آبی و سدسازی کشور که در حوزه آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، ایلام، لرستان و خوزستان اجرائی شد، به‌طور صددرصد در اختیار پیمانکاران سپاهی قرار گرفتند. چهار قرارداد گفته شده، بدون آن‌که به مناقصه گذاشته شود و تشریفات «قانونی» در ارتباط با آن رعایت شود، منعقد شد.

علاوه بر این فعالیت‌های اقتصادی علنی، بخشی از فعالیت اقتصادی سپاه زیرزمینی است. این بخش از فعالیت سپاه که به واردات و صادرات قاچاق کالا مربوط است، تحت کنترل دولت قرار ندارد و تعرفه گمرکی برای آن‌ها پرداخت نمی‌شود. اما آن بخش از فعالیت اقتصادی سپاه که علنی است، هیچ‌کس نمی‌تواند حسابرسی کند و از شفافیت برخوردار نیستند. هم‌چنین شرکت‌های وابسته به سپاه مالیات نمی‌پردازند.

سپاه بیش از ۶۰ اسکله در جنوب کشور در اختیار دارد. اولین بار مهدی کروبی در دوره ششم مجلس شورا وجود اسکله‌های غیرمجاز را علنا عنوان کرد و گفت که بیش از ۶۰ اسکله غیرمجاز در کشور وجود دارد. به دنبال آن دو تن از نمایندگان مجلس در این زمینه دست به افشاگری زدند. علی قنبری نماینده دوره ششم مجلس، گفت: «متأسفانه نزدیک به یک سوم واردات کشور از طریق بازارهای غیرقانونی، اقتصاد زیرزمینی و اسکله‌های غیرمجاز صورت می‌گیرد. برخی نهادهای انتصابی که خود را تابع دولت نمی‌دانند و نیز نهادهایی که قدرت را در اختیار دارند و عمدتاً نظامی هستند، بیش‌تر به این کار مبادرت می‌ورزند.»

سردار سرتیپ پاسدار «عبدالله عبداللہی»، که پنج ماهی است فرماندهی فرماندهی قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء را به عهده گرفته است، در گفت‌وگوئی تفصیلی با خبرگزاری حکومتی ایرنا، گفت: «حدود ۱۵۰ هزار نفر در پروژه‌های قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء (ص) مشغول به فعالیت هستند.»

عبداللهی، با اشاره به این‌که همکاری قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء با دولت‌های نهم و دهم نسبت به دولت‌های قبل بیش‌تر بود، گفت: «البته ما هیچ‌وقت جناحی و سیاسی به موضوع‌های کاری خود نگاه نکرده‌ایم، زیرا این قرارگاه به عنوان زیرمجموعه سپاه پاسداران، وظیفه حفاظت از انقلاب را برعهده دارد.»

عبداللهی، تأکید کرد که فعالیت‌های قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء در دولت یازدهم نیز ادامه می‌یابد زیرا پروژه‌هایی که در حال انجام است را با دولت قرارداد بسته‌ایم و متعهد به انجام آن می‌باشیم.

به این ترتیب، روحانی قصد دارد همان سیاست های احمد نژاد در رابطه با سپاه پاسداران را پررنگ تر از گذشته ادامه دهد. احمدی نژاد رادر دولت محمود احمدی نژاد، واگذاری پروژه های عظیم صنعتی و اقتصادی به ارزش ده ها هزار میلیارد دالر در چارچوب خصوصی سازی به این ارگان و اغلب بدون رعایت تشریفات «قانونی» واگذار می کردند. سپاه پاسداران، در دوره هشت سال ریاست جمهوری احمدی نژاد، ده ها بانک و شرکت در حوزه های مختلف مالی، پولی، نفتی و ... را خریداری و یا تاسیس کرد. این رویکرد دولت احمدی نژاد به سپاه پاسداران، حتی انتقاد برخی مسؤولان حکومتی را نیز به دنبال داشت.

از جمله، احمد توکلی، نماینده اصول گرای تهران در مجلس شورای اسلامی، در میان کشمکش های جناحی، در مرداد [اسد] سال جاری، با انتقاد از فعالیت اقتصادی «نظامیان» و «نیروهای امنیتی» ایران از مقامات حکومتی خواست که در این مورد «تصمیم قاطعانه ای» بگیرند. او، در عین حال تأکید کرد که «نظامیان ما با سلام و صلوات وارد بازارها شده اند و دیگر نمی شود آن ها را به راحتی خارج کرد.»

چند روز پس از انتشار این سخنان توکلی، حسن فیروزآبادی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ایران، گفت هر زمان که دولت احساس کند نیازی به امکانات نظامیان در زمینه اقتصادی ندارد، نظامیان آماده اند از فعالیت های اقتصادی خارج شوند. او، گفت که در زمان جنگ به دلیل نبودن پیمانکاران، نیروهای مسلح وارد عمل شدند و افزود: «نیروهای مسلح هیچ طرحی را سر خود در کشور اجراء نکردند. آن جایی که داوطلبی نبود، نیروهای مسلح کار می کردند.» البته این اظهار نظر فیروزآبادی، بیش تر یک تعارف دیپلماتیک بود تا واقعیت. نیروئی که به مدت سه دهه در همه امور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور دخالت مستقیم و غیرمستقیم داشته و به غیر از ولایت فقیه به کس دیگری حساب پس نمی دهد؛ چگونه می تواند به سادگی از این همه منافع طبقاتی خود دست بردارد؟! در واقع سپاه غیر از ساختارهای نظامی و امنیتی، تروستی و مافیائی، یک ارگان قدرت مند اقتصادی است که همواره به فکر منافع طبقاتی - سرمایه داری خود و حکومت شان است.

هاشمی رفسنجانی نیز قبل از انتخابات ریاست جمهوری، گفته بود: «ما بعد از جنگ از سپاه خواستیم به دلیل داشتن تجهیزات در برخی پروژه های سد سازی شرکت کند. حالا اما سپاه به کم تر از کل کشور قانع نیست.»

پس از سخنان فیروزآبادی، سایت الف، مجددا در یادداشتی از حضور نظامیان در اقتصاد انتقاد کرد و نوشت: «دولت های نهم و دهم که با شعار عدالت و مهرورزی به محرومان، سکان اداره کشور را در اختیار گرفت با حمایت بخش قابل ملاحظه ای از نیروهای نظامی، سرعت در امر آبادانی و عمران آن هم در دورترین نقاط کشور را وجه همت خود قرار داد. تا جایی که آمار بهره برداری از ۱۱ هزار پروژه عمرانی کوچک و بیش از ۱۸۰۰ پروژه در رشته های تخصصی عمرانی در کارنامه آنان دیده شده است. در این مقطع علی رغم انتظارات موجود هیچ گونه سرعتی به امر خصوصی سازی و اجرای اصل ۴۴ داده نشد و از سوی دیگر با عنایت به نقش بی بدیل سازمان های وابسته به نظامیان در امور اقتصادی طی ۱۶ سال گذشته و تجارب اندوخته شده که با توانایی های مدیریتی و فنی آنان همراه شده بود، این سازمان ها توانستند ضمن رقابت با شرکت های خصوصی بالاخص شرکت های خارجی، اقتصاد تحریم زده ایران در ابعاد سازندگی کلان و زیر بنایی را سرپا نگه دارند.»

سپاه پاسداران حکومت اسلامی ایران، آدم کشی خود را از همان سال های نخست انقلاب ۵۷ مردم ایران آغاز کرده است. فرماندهان سپاه پاسداران، بعد از شورش های شهری در اوائل دهه هفتاد، گردان های عاشورا و الزهرا را که اولی متشکل از بسیجیان برگزیده مرد و دومی متشکل از زنان بسیجی است، تشکیل دادند. وظیفه این گردان ها سرکوب حرکات اعتراضی و شورش های شهری است. در حمله به کوی دانشگاه تهران و تبریز در تیر ماه [سرطان] سال ۱۳۷۸ گردان های عاشورا نقش اصلی را به عهده داشتند.

در سال ۸۸ نیز مردم جان به لب رسیده فرصتی گیر آوردند و به بهانه تقلب در انتخابات، به خیابان ها ریختند و تصاویر خامنه ای و خمینی را هم زمان زیر پایشان لگدمال کردند تا نشان دهند مخالف کلیت حکومت اسلامی هستند. آن ها، مورد حملات وحشیانه نیروهای سپاه و بسیج قرار گرفتند. ماه ها قبل از انتخابات اخیر نیز سپاه و بسیج و همه نیروهای امنیتی و اطلاعاتی و انتظامی حکومت اسلامی به حال آمده باش درآمدند تا انتخابات «مهندسی» شده را آن چنان تحت موازین شدید امنیتی برگزار کنند که واقعه سال ۸۸ تکرار نشود.



بنابراین، سپاه پاسداران، یک نیروی زبده و حرفه ئی نظامی - است که مهم ترین وظیفه اش پاسداری از منافع خود و حکومتش است و بزرگ ترین هنرشان نیز سرکوب و کشتار مردم، راه انداختن فضای رعب و وحشت، خرابکاری و ترور، قاچاق مواد مخدر و اسلحه در داخل و خارج ایران و هم چنین کمک به گروه های تروریستی اسلامی در کشورهای آسیائی و آفریقائی است.

نیروهای سپاه قدس، نیروی وابسته به سپاه پاسداران در سوریه، در کنار ارتش و نیروهای امنیتی حکومت سوریه علیه مردم و اپوزیسیون این حکومت می جنگند. سپاه قدس، به عنوان سپاه فرامرزی، در جنگ داخلی یوگسلاوی سابق و بحران بوسنی، فعال تر شد. یعنی سپاه قدس، نیروهائی را به بوسنی اعزام کرد. فرمانده این نیروها محمد نقدی و معاون او حسین الله کرم بود. شدت گرفتن بحران در بوسنی و کشتار مسلمانان موجب گسترش فعالیت سپاه قدس گردید.

قرارداد صلح دیتون به جنگ در بوسنی خاتمه داد. این قرارداد خواهان خروج نیروهای دیگر کشورها از جمله سپاه قدس از بوسنی بود. اما سپاه قدس تشکیلات گسترده در حوزه های فرهنگی، اقتصادی و بازسازی ایجاد کرده بود و از این طریق توانست به حضور خود در بوسنی ادامه دهد.

در اواخر دوره ریاست جمهوری رفسنجانی، قاسم سلیمانی فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله سپاه جای احمد وحیدی را گرفت. با فرماندهی قاسم سلیمانی، سپاه قدس بر ابعاد فعالیت خود در تعدادی از کشورها افزود. به نوشته واشنگتن پست، نیروی قدس در اغلب کشورهائی که دارای اکثریت مسلمان هستند عواملی دارد و هدف آن: «ایجاد رابطه با مبارزان اسلامی و گروه های رادیکال و حمایت مالی از این گروه ها یا شخصیت های اسلامی است که به اصول و اهداف سیاست خارجی دولت ایران اهمیت می دهند.»

سپاه قدس، علاوه بر تهدید و ترور فعالان اپوزیسیون حکومت شان، در عین حال در کشورهای مختلف با هدف ایجاد ارتباط با جریان های اسلامی به کار کسب اطلاعات خارجی، به ویژه در کشورهای حاشیه خلیج، فلسطین، لبنان، افغانستان، بوسنی، ترکیه و عراق و جمع آوری اطلاعات و تکنولوژی هسته نی و راکتی مشغول اند و عملاً جای وزارت اطلاعات را در این زمینه گرفته اند.

سپاه قدس، قبل از حمله دولت بوش به عراق از نیروهای اپوزیسیون طرفدار حکومت اسلامی حمایت همه جانبه ای می کرد. اما بعد از برکناری حکومت بعث عراق، سیاست پیشنهادی سپاه در شورای امنیت عالی پذیرفته شد و اجرای آن به سپاه قدس واگذار گردید. سپاه قدس، در اجرای سیاست مصوب شورای عالی امنیت ملی به طور سازمان یافته و برنامه ریزی شده در عراق حضور دارد.

همه این وقایع سبب شده است که نیروهای نظامی و امنیتی حکومت بشار اسد، سپاه پاسداران حکومت اسلامی ایران، حکومت ترکیه، حکومت اسرائیل، حزب الله لبنان، نیروهای شیعه طرفدار حکومت اسلامی در عراق و... خود را برای هرگونه درگیری های احتمالی آماده می کنند.

یک نمونه از ثروت فرماندهان سپاه پاسداران، سردار صادق محصولی است. هنگام معرفی صادق محصولی، به عنوان وزیر نفت از جانب احمدی نژاد، آشکار شد که او در طی دو دهه بیش از ۵۰ میلیارد تومان ثروت اندوخته است. سردار محصولی در دو دولت احمدی نژاد، وزیر کشور و وزیر رفاه بود.

سپاه در حوزه های مختلف فرهنگی از جمله سینما و رادیو و تلویزیون و روزنامه ها، سرمایه گذاری کرده است. سپاه نشریات متعددی را منتشر می کند و شبکه های زیاد اجتماعی راه انداخته است. هم چنین سپاه، زندان های مخفی ویژه خود را دارد.

بعد از خامنه ای، سپاه پاسداران دومین قدرت حکومت اسلامی ایران است. اکنون سپاه پاسداران علاوه بر قدرت نظامی اش، با داشتن ثروت افسانه ای پشت پرده امنیت، اقتصاد و سیاست های کلان حکومت، ایفای نقش می کند. این ارگان در سطح بین المللی نیز علاوه بر حمایت از گروه های تروریستی اسلامی، در قاچاق مواد مخدر و سلاح نیز بسیار فعال است.

این که روحانی سپاه جهل و جنایت و ترورشان را «محبوب دل ها» توصیف می کند هیچ جای تعجبی نیست. چون که خود روحانی از همان روزهای نخست به قدرت رسیدن حکومت اسلامی تاکنون در ارگان امنیتی فعالیت کرده و کابینه اش نیز حتی از سوی خودی هایشان نیز «کابینه امنیتی» نامیده شده است. روحانی، خودش هم تأکید کرده است که به امنیتی بودن شان «افتخار» می کنند! بنابراین، بحث در این جا بر سر آن بخش از اپوزیسیون حکومت اسلامی، فعالان فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، روزنامه نگار، نویسنده، هنرمندانی و گروه هائی است که با هر تغییر دولت در ایران، با کله به آغوش گرم اسلام و حکومت اسلامی ایران سقوط آزاد می کنند و در رسانه های فارسی زبان دولت های قدرت مند جهانی، وبلاگ ها و فیس بوک هایشان برای جانیاتی چون آخوند روحانی «هورا» می کشند؟

سپاه پاسداران حکومت اسلامی ایران و سوریه

هم اکنون سپاه پاسداران حکومت اسلامی ایران در سوریه، در کنار نیروهای آدم کش حکومت سوریه مردم معترض این کشور را قتل عام می کنند. هم چنین حزب الله لبنان نیز که بازوی اصلی حکومت اسلامی در مقابل دولت و ارتش اسرائیل در مرزهای لبنان است هم اکنون نیز بخشی از امنیت دمشق پایتخت سوریه، به این نیرو واگذار شده است. بنابراین، اگر جنگ خارجی علیه سوریه آغاز شود حکومت اسلامی ایران نمی تواند تنها نظاره گر این جنگ بماند و عکس العمل نشان ندهد. حالا این عکس العمل موشک پراکنی حزب الله از لبنان به اسرائیل و یا حمله نیروهای طرفدار حکومت اسلامی در عراق به برخی منافع امریکا و غیره خواهد بود و یا شکل دیگری به خود خواهد گرفت از هم اکنون روشن نیست. اما آن چه که مسلم است پای حکومت اسلامی ایران مدت هاست که به جنگ داخلی سوریه کشیده شده است. اگر دولت های قدرت مند غربی، ترکیه، قطر، عربستان و غیره به نیروهای مخالف حکومت بشار اسد کمک می کنند سپاه پاسداران حکومت اسلامی ایران و حزب الله لبنان نیز مستقیماً به همراه ارتش و دیگر ارگان های سرکوب حکومت بشار اسد با نیروی های مخالف آن می جنگند. در این میان مردم آزادی خواه و عدالت طلب سوریه است که بین این جنگ گیر کرده اند و هر روز قربانی می دهند. چین، روسیه و... نیز در سطح بین المللی، به ویژه در سازمان ملل متحد از حکومت سوریه حمایت می کنند.

قاسم سلیمانی، که کارنامه تروریسم حکومتی در سپاه تحت فرماندهی خود را نیز در سابقه خود دارد و گفته می شود آخرین حمله تروریستی شبانه به اردوگاه اشرف در عراق، از سوی طراحی شده است گروهی از نیروهای تحت امرش در سوریه در سرکوب مخالفان این کشور حضور دارند. او، در ۱۲ شهریور نیز در اجلاس مجلس خبرگان حضور یافت و در جلسه غیرعلنی آن سخن رانی کرد. محور سخنان او، مسائل سوریه، مصر، عراق، لبنان و دیگر کشورهای منطقه بود.

در حمله اخیر نیروهای ویژه وابسته به المالکی نخست وزیر شیعه و هم فکر و هم پیمان حکومت اسلامی ایران به اردوگاه اشرف، ۵۲ عضو بی دفاع و بی سلاح سازمان مجاهدین خلق ایران جان خود را از دست دادند. فلم ها و عکس ها نشان می دهند دست برخی از آن ها، در حالی که از پشت بسته شده تیر خلاص به مغزشان شلیک شده است. هم چنین مهاجمین هفت تن دیگر از اعضای این سازمان را با خودشان برده اند و اکنون معلوم نیست آیا آن ها را به ایران انتقال داده اند و یا گروهان نیروهای وابسته به المالکی هستند. حدود ۴۰ نفر از اعضای مجاهدین خلق در این اردوگاه بودند که پس از این حمله تروریستی، به اردوگاه لیبرتی انتقال داده اند. به این ترتیب، به کلی اردوگاه اشرف تعطیل گردید.

حسین علائی، فرمانده سابق نیروی دریائی سپاه پاسداران، گفته است: «دفاع حکومت ایران از رژیم بشار اسد موجب کاهش اعتبار ایران در جهان عرب شده است.» علائی، افزود که حداکثر زمان بقای اسد تا انتخابات سال ۲۰۱۴ خواهد بود.

هم چنین به گزارش خبرگزاری حکومتی «تسنیم»، سردار سرلشکر محمدعلی جعفری فرمانده کل سپاه پاسداران در حاشیه بیستین مجمع سراسری فرماندهان و مسؤولان سپاه در جمع خبرنگاران در پاسخ به سؤالی در مورد اقدام سپاه مقابل «ماجرای احتمالی امریکا در سوریه»، گفت: «انشاءالله که آن ها عاقلانه تصمیم می گیرند و خودشان را در مهلکه نمی اندازند.» او، ادامه داد: «امریکا اگر در سوریه حرکت نظامی کند، قطعاً با مشکلات عدیده ای مواجه خواهد شد و سپاه پاسداران نیز در آن زمان به وظیفه خودش عمل خواهد کرد.»

احمد وحیدی، وزیر سابق دفاع نیز در اظهاراتی مشابه سلیمانی، تأکید کرده که سوریه خط مقدم مقاومت در منطقه است و ایران همواره از کسانی که در خط مقدم مقاومت حضور دارند، حمایت می کند. او، افزوده که امریکا به این دلیل نتوانست به سوریه حمله کند که دلایل و منطقی برای این کار نداشت.

قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران، حمایت از مقاومت را تأمین کننده حقیقی منافع ملی ایران دانسته و مدعی شده که پیروزی های مستمر ارتش سوریه در یک سال اخیر، موجب «هجمه» همه جانبه به این کشور شده است. استفاده از سلاح های کیمیائی علیه مردم، که به اسد نسبت داده شده است و توافقی که برای نابودی سازی سلاح های مخرب کیمیائی سوریه بین امریکا و روسیه حاصل شده است و به احتمال قوی سازمان ملل نیز در این مورد قطعنامه ای صادر خواهد کرد راه را هر چه بیش تر برای مداخله نظامی در این کشور، هموار کرده است.

در حمله کیمیائی به مناطقی در حومه دمشق در چهارشنبه ۲۱ اوت ۲۰۱۳، صدها نفر کشته شدند. در این حمله یک هزار و ۴۲۹ نفر کشته شده اند که دست کم ۴۲۶ نفر از آنها کودک بودند.

حکومت بشار اسد، حکومت اسلامی ایران و روسیه، مدعی هستند که سلاح های کیمیائی از سوی اپوزیسیون حکومت سوریه به کار گرفته شده و امریکا و متحدانش نیز تأکید دارند که این کار دولت سوریه است. حقیقت این است که اوضاع درون سوریه به حدی آشفته است که تشخیص واقعیت را بسیار سخت نموده است.

در این میان مقامات حکومت اسلامی به ویژه فرماندهان سپاه پاسداران، هر روز با لحن قدرتمندتری از اسد حمایت می کنند. برای نمونه، یکی از فرماندهان بسیج عنوان کرده است: «اگر امریکا به سوریه حمله کند، طلبه های بسیجی آماده ایستادن در مقابل دشمنان هستند و این برای آن ها افتخار است.»

فلم کوتاهی که یک مستندساز ایرانی ضبط کرده، به دست مخالفان دولت سوریه افتاده است. این فلم هم اکنون در شبکه های اجتماعی و یوتیوب نیز قابل دسترس است. در این فلم، یک فرمانده سپاه پاسداران به نام اسماعیل حیدری درباره تجربه هایش از یک سال جنگ در سوریه صحبت می کند و می گوید بعضی از شبه نظامیان سوری در ایران آموزش دیده اند.

نخست برنامه ساعت خبر تلویزیون ملی هالند، بخش هانی از این گفت و گوی فلمبردار ایرانی با اسماعیل حیدری را پخش کرده است. حیدری که چندی قبل در سوریه کشته شد و سی ام مرداد سال جاری در شهر آمل به خاک سپرده شد، ابتداء مستندساز معرفی شده بود. ولی او در این گفت و گو بیش از یک سال بوده که در سوریه می جنگید و بعضی از شبه نظامیان سوری نیز در ایران آموزش دیده اند.

سپس این فلم مستند، از شبکه تلویزیونی بی بی سی فارسی نیز پخش شد. پخش آن در شبکه تلویزیونی بی بی سی فارسی، اعتراض نمایندگان مجلس نهم را برانگیخت. در این مستند حضور فعال و تأثیرگذار بخشی از اعضای سپاه در سوریه به نمایش گذاشته شد. تصاویری که نشان می داد تعدادی از اعضای سپاه پاسداران ایران در منزلی در «حلب» در کنار زندگی به ظاهر عادی، لباس فرم سپاه می پوشند، اسلحه حمل می کنند، تجهیزات نظامی در اختیار دارند و به نفع دولت بشار اسد، با مخالفان به مبارزه می پردازند. پخش این مستند که نشان دهنده درگیری مستقیم اعضای سپاه در مبارزه با مخالفان سوری بود، حتی صدای اعتراض بعضی از نمایندگان مجلس را بلند کرد.

بی بی سی فارسی، گفته است که این مستند را مخالفان سوری در ابتداء در اختیار برنامه ساعت خبر تلویزیون ملی هالند قرار داده اند تا نشان دهند ادعاهایشان درباره حضور نظامی جمهوری اسلامی در سوریه درست بوده است. اسماعیل کوثری که از اعضای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس است، با اشاره به تلاش های بی بی سی برای القای این باور که «سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران در سوریه علیه معارضان دولت سوریه می جنگد»، گفت: «بی بی سی سابقه راه اندازی جنگ روانی دارد و همه دنیا نیز این رسانه را می شناسد و دروغ گوئی رویکرد کاری و رسانه ئی این بنگاه سخن پراکنی است.»

به گزارش سازمان ملل متحد، تاکنون در جریان درگیری های داخلی سوریه، بیش از صد هزار نفر کشته شده اند و بیش از دو میلیون نفر خانه و کاشانه خود را ترک کرده اند.

حکومت اسلامی ایران، نزدیک ترین متحد سوریه طی چند دهه گذشته، تمام تلاش خود را می کند تا مانع سقوط حکومت بشار اسد شود. از این رو، آیت الله خامنه ای، هوشدار داده که اگر امریکا به سوریه حمله کند آتش جنگ تمام خاورمیانه را فرا می گیرد. سران و مقامات بلندپایه حکومت اسلامی، سوریه را مرکز اجتناب ناپذیر «محور مقاومت» ایران در مقابل نفوذ امریکا و اسرائیل در خاورمیانه و پل استراتژیک برای مقابله با اسرائیل و مسیری برای رساندن سلاح به حزب الله لبنان و گروه های شبه نظامی فلسطینی می دانند.

بحران اقتصادی ایران و احتمال خیزش های مردمی

هم اکنون سران و مقامات حکومت اسلامی، بیش از پیش نگران وضعیت اقتصادی کشور و خطرات ناشی از آن هستند. به گزارش رسانه ها، حجت الاسلام محمدعلی موحدی کرمانی خطیب موقت نماز جمعه تهران بر ضرورت حل

مشکلات اقتصادی کشور تأکید کرد و گفت: «مردم جان شان به لب شان رسیده، فکری باید کرد. باید مسأله بی کاری حل شود.»

هر چند حجت الاسلام موحدی کرمانی، تصریح کرده است که دولت برای حل مشکلات اقتصادی مردم عصای موسی ندارد، اما، به گفته او «کلید که بحمدالله دارد. پس این کلید را به کار بیاندازد و مشکلات از جمله گرانی سرسام آور را حل کند.» البته حجت الاسلام موحدی کرمانی، نگفته است که منظورش کدام کلید است و چه قفلی باید به وسیله آن باز شود.

محمد خاتمی، رئیس جمهوری پیشین حکومت اسلامی ایران نیز هشدار داده است که اگر دولت نتواند در مدت کوتاهی لاف‌های برخی مشکلات اساسی اقتصادی و روابط خارجی و مسائل داخلی کشور را حل کند، ممکن است لطمه بزرگی به نظام اسلامی ایران، وارد شود.

در روزهای گذشته علی ربیعی، وزیر کار دولت حسن روحانی که سابقه طولانی فعالیت در ارگان های امنیتی نیز دارد تأکید کرده که مشکلات اقتصادی کشور سهمگین و وقت تنگ است، مضاف بر این که کیسه دولت نیز خالی است. حسن روحانی، بودجه سال جاری را عددسازی خوانده و افزوده است که ۸۰ هزار میلیارد تومان منابع بودجه سال ۹۲ وصول نخواهد شد و بودجه سال جاری با کسری ۴۰ درصدی روبرو است.

اکبر ترکان، نماینده ویژه حسن روحانی برای انتقال قدرت، چند روز قبل گفت: «دولت بعدی برای پرداخت یارانه ها پولی در بساط ندارد. و برای تأمین نیازهای اساسی مردم با مشکل روبروست.» او، در جای دیگری می گوید: «وضعیت اقتصاد خراب تر از تصور قبلی ماست.» خود روحانی نیز گفته است که: «دولت قبلی سالیانه به طور میانگین فقط ۱۴ هزار امکان شغلی ایجاد کرده و موج جدیدی از جوانان و فارغ التحصیلان بی کار در راهند. او می گوید نرخ تورم ۴۲ درصد است. منابع دیگر نیز میزان تورم رسمی را ۶۹ تا ۷۰ درصد اعلام کرده اند. از سوی دیگر، رسانه های دولتی خبر می دهند که دولت به نهادهای مختلف بدهکار است. يك قلم بدهی ها مبلغ ۸۰۰ میلیارد تومان بدهی به شهرداری تهران است. مشاوران روحانی، می گویند این دولت در حالی پست ها را تحویل می گیرد که خزانه خالی است. گفته می شود که بودجه سال ۹۲ دولت احمدی نژاد تماما پا در هواست و منابع در آمدی برای آن وجود ندارد. به عبارت دیگر، بودجه بندی دولت احمدی نژاد، صرفا یک انجام وظیفه بوده است و از پشتوانه مالی خالی ست!

حسن روحانی، چالش های بزرگ اقتصادی کشور را که دولتش با آن ها روبروست در اولین گفت و گوی زنده تلویزیونی خود، که سه سه شنبه شب، ۱۹ شهریور ماه، پخش شد، عمدتا به مسائل اقتصادی ایران اختصاص داشت و او از اصطلاح «رکود تورمی» برای وضعیت اقتصادی ایران استفاده کرد.

پیش از روحانی، طیب نیا، وزیر اقتصاد و دارائی دولت او، گفته بود کسری بودجه امسال ۷۰ هزار میلیارد تومان، رشد اقتصادی صفر و تورم ۴۵ درصد است. او پیش بینی می کند به زودی ۵ میلیون جویای کار به سه و نیم میلیون بی کار کشور اضافه شوند.

او، در یک گفت و گوی مفصل به تشریح وضعیت اقتصادی کشور و چشم انداز آینده پرداخت. اظهارات او که نخستین برآورد رسمی دولت یازدهم پس از تشکیل کابینه محسوب می شود از میزان وخامت اوضاع و معضلات همه جانبه سخن به میان آورده است.

طیب نیا وزیر اقتصاد و دارائی، بی کاری و تورم را دو چالش دیگر مهم اقتصاد ایران عنوان می کند. او، می افزاید پس از مشخص شدن نتیجه انتخابات ۲۴ خرداد و اعلام پیروزی حسن روحانی یک کارگروه اقتصادی تشکیل شد تا با شناسایی ریشه مشکلات تدبیرهایی برای اصلاح ساختاری آن ها بیندیشد.

وزیر اقتصاد، با استناد به آمار بانک مرکزی میزان تورم نقطه‌ای در ماه جاری را ۴۵ درصد عنوان کرد و نقدینگی تزریق شده به بازار در جریان اجرای طرح موسوم به مسکن مهر را از مهم ترین عوامل افزایش تورم خواند. طیب نیا، با اشاره به رشد نقدینگی از ۶۷ هزار میلیارد تومان به بیش از ۴۵۰ هزار میلیارد تومان در دوران محمود احمدی نژاد تأکید کرد که بخش زیادی از این نقدینگی به هیچ وجه به تولید نرسیده و سابقه تاریخی نشان می دهد که نقدینگی سرگردان تنها به افزایش تورم می انجامد.

وزیر اقتصاد، با بیان این که حل معضل بی کاری از دغدغه های اصلی دولت است گفت، در حال حاضر بیش از سه و نیم میلیون بی کار داریم و با توجه به این که تعداد زیادی از دانش جویان به زودی فارغ التحصیل شده و به جمع جویای کارها اضافه خواهند شد این جمعیت در آینده نزدیک به بیش از هشت و نیم میلیون نفر خواهد رسید. بخش دیگری از سخنان طیب نیا، به کسری ده هزار میلیارد تومانی بودجه طرح هدف مندی یارانه ها و عدم تحقق یک سوم از کل بودجه سال ۹۲ اختصاص داشت.

دولت احمدی نژاد، برای تأمین بخشی از کسری بودجه یارانه ها به قرض گرفتن از بانک مرکزی و خزانه روی آورد. طیب نیا، می گوید ما این کسری را از راه های دیگری جبران خواهیم کرد اما از بانک مرکزی قرض نمی کنیم. برخی مسؤولان حکومت اسلامی، اقرار کرده اند که نرخ تورم در حال حاضر حدود ۴۴ درصد است. شاید بالاترین نرخ تورم در سطح جهان! در چنین شرایطی، برخی مقامات و نمایندگان مجلس، خواستار افزایش قیمت حامل های انرژی شده اند تا دولت بر کمبود بودجه خود فائق آید. یعنی باز هم فشار بیش تر بر شهروندان.

برای نمونه، حسین امیری خامکانی، سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس، می گوید: «دولت برای پرداخت یارانه ها با کسری ۱۰۰ هزار میلیارد تومانی مواجه است.» این نماینده مجلس شورای اسلامی، در گفت و گو با ایلنا، با اشاره به این کسری بودجه، از دولت خواسته است تا برای تأمین این کسری ها یا راهی بیاندیشد یا این که از افزایش قیمت ها کمک بگیرد.

از سوی دیگر، محمدرضا خباز معاون امور پارلمانی ریاست جمهوری، گفته که در ۸ سال گذشته، حدود ۶۰۰ میلیارد دلار سرمایه ایرانیان از کشور خارج شده که این رقم معادل ۱۰ بودجه نفتی است. او، در گفت و گوئی با خبرگزاری خانه ملت روز چهارشنبه ۲۷ شهریور ماه، بر ضرورت بازگشت این سرمایه ها به کشور تأکید کرد تا «زمینه برای اشتغال زائی فراهم شود.»

به گفته خباز، «اگر تلاش شود ۱۰ درصد از این سرمایه گذاران، ثروت خود را به داخل کشور و زادگاه خود بازگردانند، همین میزان سرمایه گذاری برابر با یک بودجه نفتی در کشور می شود.» پیش از این، برخی نمایندگان مجلس و منابع نزدیک به دولت ایران، آمارهایی را از روند خروج سرمایه از کشور اعلام کرده بودند، اما آمار ۶۰۰ میلیارد دلاری که محمدرضا خباز در این باره ارائه می کند، بزرگ ترین رقم است.

آماری که او از خروج سرمایه از کشور ارائه می کند تنها به دوران ۸ ساله ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد محدود می شود، دوره ای که ارزش پول ملی ایران، ریال، تا بیش از ۵۰ درصد سقوط کرد و چنان چه اعضای دولت کنونی می گویند، رشد اقتصادی کشور منفی شد.

اوضاع نامساعد اقتصادی کشور و شرایط جهانی در هفته گذشته بر بازار ارز و طلا در این نیز بی تأثیر نبود و سبب صعود بهای ارز و طلا شد. دلار امریکا در روز چهارشنبه ۱۳ شهریور ماه، به مرز ۳۳۰۰ تومان رسید که افزایشی حدود ۱۳۰ تومان را در مقایسه با بهای متوسط ماه گذشته دالر نشان می دهد. بهای سکه بهار آزادی به یک میلیون ۲۰۰ هزار تومان رسید که حدود ۷۰ هزار تومان نسبت به روزهای گذشته افزایش داشت.

هر چند که احتمال دارد بخشی از این ادعاهای دولت روحانی، با هدف شانه خالی کردن از وظایف و تهداتش باشد. اما هر چه هست يك بحران اقتصادی عمیق و فزاینده، غیرقابل علاج و فلج کننده اقتصاد ایران را فرا گرفته است و با توجه به این به بحران اقتصادی جهانی، محاصره اقتصادی ایران و تشنج و جنگ غیرقابل پیش بینی در منطقه، سوء مدیریت و ریخت و پاش های دولتی، هیچ راه حل جدی برای حل این بحران وجود ندارد از این رو، بحران اقتصادی ایران هر روز عمیق تر و وسیع تر و فاجعه بارتر می شود. از سوی دیگر، دزدی های کلان و چپاول بی حد و مرز و اختلاس و فساد و رشوه گیری نیز طی سه دهه گذشته، اقتصاد ایران را زمین گیر کرده است.

هم اکنون در بخش های مختلف کارگری اعتصاب و اعتراض در جریان است. کار در جامعه ما، به جایی رسیده است که بازنشستگان نیز مجبورند برای گرفتن حقوق خود دست به راه پیمائی و تجمعات اعتراضی بزنند. اخیرا جمعی از بازنشستگان صنعت فولاد کشور در اعتراض به عدم دریافت سه ماه مستمری خود، مقابل دفتر ریاست جمهوری حکومت اسلامی در تهران، تجمع کردند. معترضان که عضو صندوق فولاد هستند، خواستار ملاقات با معاون رئیس جمهوری و یا نماینده او برای شنیدن خواست هایشان و رسیدگی به مشکلات شان شدند.

هم چنین به گزارش ایلنا، ۶۰۰ بازنشسته تأمین اجتماعی با ارسال نامه‌ای به «حسن روحانی»، با بیان اینکه در شرایط کنونی خط فقر بالغ بر ۲۲ میلیون ریال است عنوان کردند که دریافتی بیش از ۸۰ درصد بیمه شدگان بازنشسته و مستمری بگیر این سازمان معادل یک سوم خط فقر است.

به گزارش ایلنا، نویسندگان نامه به رئیس جمهور، آورده‌اند: اگر از منابع و سرمایه هائی که کارگران بیمه شده در هنگام کار اندوخته اند به درستی نگهداری و محافظت می شد هیچ بازنشسته ای در خط فقر قرار نمی گرفت.

در ادامه این نامه، از تعویض شش مدیر عامل در شش سال گذشته، تعطیلی موسسات پژوهشی و آموزشی و نشریات تخصصی از جمله « مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی » و « فصلنامه تأمین اجتماعی »، منحل شدن گروه های تخصصی و حرفه ای و جایگزینی چرتکه بازاری به جای رویکرد تخصصی که سازمان تأمین اجتماعی را به مرز ورشکستگی رسانده است انتقاد شده است.

هم چنین نویسندگان این نامه، از این که دولت سال ها است با فراموش کردن وظیفه اصلی خود مبنی بر امانتدار بودن، سازمان تأمین اجتماعی را به مثابه ی صندوق اختصاصی اش در نظر گرفته انتقاد شدیدی کرده اند.

گفتنی است نویسندگان این نامه، سخنانشان را «مصائب یک جامعه ۳۶ میلیونی تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی» خوانده اند و تأکید کرده اند که با جمعیتی در حدود «۲ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر آن بازنشسته و مستمری بگیر حدود ۱۰ میلیون نفر از جمعیت کشور را تشکیل می دهند.»

هم چنین بیش از ۴۰۰ نفر از دانش جویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز، به تشدید فضای امنیتی با نصب دوربین مداربسته در محوطه خوابگاه و گرفتن اثر انگشت از دانش جویان اعتراض کردند. به گفته دانش جویان، حراست دانشگاه دوربین های مداربسته ای را مقابل پنجره خوابگاه آنان نصب کرده که قابلیت تصویربرداری از درون اتاق ها را داراست. هم چنین دانش جویان هنگام ورود و خروج از خوابگاه توسط دستگاه انگشت نگاری می شوند.

زنانی که در خیابان ها توسط گشت ارشاد و نیروی انتظامی و غیره مورد تحقیر و توهین قرار می گیرند اغلب از حق خود و آزادی هایشان دفاع می کنند و آگاهانه نیز بهای آن را با بازداشت و تشکیل پرونده و جریمه و زندان می پردازند.

همه این نمونه ها نشان می دهند که جنبش های اجتماعی ایران مانند جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانش جویان و جوانان و همه نیروهای آزادی خواه و برابری طلب و عدالت جو، خود را برای دور جدیدی از مبارزه آماده می کنند.

بنابراین، دیر یا زود جامعه ما، شاهد اعتراض و اعتصاب در کارخانه ها و کارگاه ها و شرکت ها، دانشگاه ها و مدارس، خیابان ها و مراکز عمومی شهرها خواهد شد.

در چنین شرایطی، مجمع جهانی اقتصاد در تازه ترین گزارش، «رقابت پذیری جهانی» (GCR) خود، که مربوط به سال های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ میلادی است، اقتصاد ۱۴۸ کشور جهان را بررسی و رده بندی کرده است. بر اساس این گزارش، ایران در میان این ۱۴۸ کشور، از جایگاه ۶۶ به جایگاه ۸۲ رسیده و این سقوط ۱۶ رتبه ای، نشان دهنده اوضاع بحرانی اقتصاد در این کشور است.

این گزارش اطلاعات جامعی درباره شیوه های افزایش تولید و رفاه در اقتصاد کشورهای گوناگون دنیا ارائه می کند. گزارش «رقابت پذیری اقتصاد جهانی» در واقع جامع ترین ارزیابی اقتصادی موجود از کشورهای جهان است. بر اساس آخرین رده بندی رقابت پذیری اقتصادهای جهان، پنج اقتصاد بزرگ و باثبات و پایدار دنیا عبارتند از: سوئیس، سنگاپور، فنلاند، آلمان و ایالات متحده امریکا.

سوئیس با اقتصاد قدرتمندش برای پنجمین سال پیاپی در صدر این رده بندی اقتصادی نشسته و آلمان با یک جهش ۲ رتبه ای نسبت به دوره گذشته، در جایگاه چهارم قرار گرفته است. کشورهای سوئد، هنگ کنگ، هالند، ژاپن و بریتانیا هم به ترتیب در جایگاه های ششم تا دهم این رده بندی قرار گرفته اند.

در میان ۱۰ کشور برتر این رده بندی، ۶ کشور اروپایی به چشم می خورند. سیرالئون، یمن، برونیدی، گینه و چاد هم به ترتیب در قعر این جدول نشسته اند.

کشورهای نظیر تونس، اوکراین، یونان، کنیا و لبنان، در این رده بندی پائین تر از ایران قرار گرفته اند، اما همسایگان ایران از جمله آذربایجان و ترکیه به ترتیب در جایگاه های ۳۹ و ۴۴ قرار گرفته اند. رتبه برخی دیگر از کشورهای جهان از این قرار است: قطر ۱۳، عربستان ۲۰، مالزی ۲۴، چین ۲۹، آفریقای جنوبی ۵۳، روسیه ۶۴، گرجستان ۷۲، ارمنستان ۷۹.

مجمع جهانی اقتصاد بیش از سه دهه است که بر رقابت های اقتصادی در سراسر جهان نظارت می کند و مسؤلیت برگزاری اجلاس اقتصادی «داووس» را هم برعهده دارد، که از مهم ترین گردهم آئی های رهبران اقتصادی و سیاسی جهان است، اما انتشار این گزارش ابتکاری است که از سال ۲۰۰۶ آغاز شده است. تهیه کنندگان این گزارش می گویند عواملی نظیر توسعه پایدار، میزان رفاه، و توان کشورها در فروش محصولات داخلی از جمله فاکتورهای تأثیرگذار در تعیین رتبه آن ها در این جدول رده بندی است.

مواضع حسن روحانی در سازمان ملل متحد در امریکا و اصول گرایان و فرمانده سپاه در تهران

حسن روحانی، با هدف شرکت در اجلاس سازمان ملل، در امریکا به سر می برد و با «نرمش قهرمانانه» مشغول بده و بستن با رقبای حکومت شان است. او، قبل از سفر به امریکا، گفته بود برای حل مسایل و مشکلات میان ایران و غرب، اختیارات دارد. یعنی او، اختیاراتی از رهبر حکومت اسلامی دریافت کرده، اما برخی اصول گرایان، تأکید دارند که دولت جز در مسائل جزئی، اختیاری ندارد.

حسن روحانی، در گفت و گو با شبکه تلویزیونی سی ان ان، گفته است رئیس جمهوری ایران این اجازه را دارد تا بر اساس منافع ملی با امریکا مذاکره کند، ولی باید برای این کار فرصت داده شود تا به سمت گفت و گو در فضای سیاسی برویم و شرایط این کار فراهم شود.

کریستین امنپور که با روحانی مصاحبه می کرد، به «نامه هائی که بین رؤسای جمهوری ایران و امریکا رد و بدل شده» و نیز «شنیده ها در مورد احتمال دیدار چهره به چهره این دو رئیس جمهور در حلقه دیدارهای دیپلماتیک» اشاره

کرد که آقای روحانی در پاسخ وی گفت: «صحبت هائی در این مورد شده بود» و «احتمال این کار هم تا حدی آماده شده بود.»

حسن روحانی در این مصاحبه که روز دوم مهر (به وقت امریکا) انجام شده گفته است امریکا تمایلش را به انجام چنین دیداری نشان داده بود و «علی‌الاصول از طرف ایران هم می توانست این دیدار انجام شود، اما من فکر می کنم فرصت کم بود تا بتوانیم همه مسائل را هماهنگ کنیم.» این گفته ها اشاره به احتمالاتی دارد که پیش تر در مورد دیدار اوباما و روحانی مطرح شده بود. اما هیأت ایرانی در مهمانی دبیرکل سازمان ملل برای سران کشورها ترتیب داده بود، به دلیل سرو کردن مشروب، شرکت نکرد. دیداری هم تاکنون بین دو رئیس جمهوری صورت نگرفته است. در زمان سخنرانی بارک اوباما نیز حسن روحانی در سالن حضور نداشت و محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران، بر کرسی نمایندگی ایران نشسته بود. سخنرانی حسن روحانی در نشست عمومی سازمان ملل، ساعاتی پس از سخنرانی بارک اوباما انجام شد.

حسن روحانی در سخنرانی خود در آن جلسه در مورد امریکا گفت: «ایران به دنبال تعامل سازنده بر اساس احترام متقابل و منافع مشترک با دیگر کشورهاست و در این چارچوب در پی افزایش تنش با ایالات متحده امریکا نیز نیست. من سخنان امروز پرزیدنت اوباما را با دقت دنبال کردم؛ در صورت عزم سیاسی رهبران امریکا و خودداری از دنبال کردن منافع گروه های فشار جنگ طلب، می توان به چارچوبی برای مدیریت اختلافات رسید. در این چارچوب موضع برابر، احترام متقابل و اصول مسلم شناخته شده بین المللی باید مبنا باشد؛ البته در این زمینه انتظار ما از واشنگتن شنیدن صدای واحد است.»

در حالی که وزیر خارجه المان از سخنرانی حسن روحانی، رئیس جمهوری ایران در مجمع عمومی سازمان ملل استقبال کرده و آن را «امیدوارکننده» دانسته است، بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل آن را «طعنه آمیز» خوانده است.

سناتور جان مک کین، کلی آیوت و لیززی گراهام که هر سه از هواداران سخت گیری علیه ایران هستند با انتشار بیانییه ای تأکید کرده اند که از علاقه دولت بارک اوباما، رئیس جمهوری امریکا، برای آزمودن آن چه او علاقه ایران به دیپلماسی نامیده بود، استقبال می کنند، اما به انگیزه های ایران عمیقا مشکوکند.

حسین مظفر، نماینده مجلس، گفته است: «مقامات باید با استفاده از رهنمودهای مقام معظم رهبری سخنان خود را بیان کنند... طبیعی است که باید مواضعی مطرح شود که ضمن دوری از تنش، حقوق حقه ملت ایران احیا شود... در «نرمش قهرمانانه» باید در عین انعطاف در مسائل جزئی بر مسائل اساسی و اصلی انقلاب تأکید کرد، البته این نگاه از ابتدا موضع جمهوری اسلامی بوده است.»

اما محمد کوثری، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس، در گفت و گوئی با روزنامه اعتماد، پیرامون امکان مذاکره با امریکا و اختیارات روحانی، گفته است: «نرمش قهرمانانه این نیست که ما از سیاست های کلان خود در عرصه سیاست خارجی دست برداشته ایم و تنها در روش و تاکتیک تغییراتی ایجاد شده و مقام معظم رهبری در زمینه تاکتیکی دست آقای روحانی را باز گذاشته و ایشان تنها در این زمینه می تواند فعالیت داشته باشد... مذاکره با امریکا صورت نخواهد گرفت...»

روح الله حسینیان، از نمایندگان عضو جبهه پایداری، درباره امکان انجام مذاکره میان ایران و امریکا از سوی دولت روحانی، گفته است: «دکتر روحانی بدون مشورت با رهبری و اجازه از ایشان بعید می دانم چنین کاری را انجام دهد... به هر دلیلی اگر قرار بر این شد که آقای روحانی از طرف نظام جمهوری اسلامی وارد مذاکره شود باید همه حمایت کنند.»

روزنامه کیهان نیز در سرمقاله امروز خود نوشت: «ادعاهائی که درباره تغییر رفتار ایران یا عقب نشینی در برابر تحریم ها و امثال آن از سوی تحلیلگران بی‌بی‌سی، صدای امریکا، رویترز، گاردین و... مطرح می شود دچار یک تناقض ستراتیژیک است. برای این که این تناقض و ادعای واهی آن ها علیه ایران آشکار شود شاخصی به نام مسأله سوریه وجود دارد. مسأله ای که مربوط به گذشته نیست و چند هفته قبل خبر اول دنیا بود.»

هم چنین منصور حقیقت پور، عضو هیأت رئیسه کمیسیون امنیت ملی مجلس، در گفت و گوئی با باشگاه خبرنگاران جوان - وابسته به صدا و سیما - درباره رابطه احتمالی میان ایران و امریکا، گفته است: «اصلاح رابطه ایران و امریکا کمر رژیم صهیونیستی و مرتجعین منطقه را خواهد شکست... اگر امروز رژیم صهیونیستی در دل اروپائی ها و امریکائی ها جای دارد به خاطر ایران هراسی است...»

روزنامه کیهان به مدیر مسؤولی حسین شریعتمداری، نماینده ولی فقیه در اخبار ویژه این روزنامه، در خبری با عنوان «رفتار پرخطر دست دادن با شیطان!» نوشته که «مهم تر از دیدار روحانی با اوباما و دست دادن با وی، رفتاری پرخطر و ریسک بزرگی است که روحانی با آن روبرو است.»

محسن رضائی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، گفت: «رفتن پای میز مذاکره از موضع قدرت نشان دهنده اقتدار ایران اسلامی است و باید تلاش کنیم تا امریکا و طرفین مذاکره کننده از سر عقلانیت و نه از سر ضعف با ما وارد مذاکره شوند.»

رضائی، با بیان این که «نرمش قهرمانانه» را قبول دارم و با آن موافق هستم، گفت: «در حالی که نرمش قهرمانانه تاکتیک خوبی است اما باید مراقب بود تا علامت اشتباهی به امریکا داده نشود و آن ها این عمل ما را نشان دهنده ضعف کشور برداشت نکنند.»

در حالی که بارک اوباما رئیس جمهور ایالات متحده امریکا، در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل، ضمن ابراز خوشبینی برای حل اختلافات با حکومت اسلامی از مقامات ایران و روسیه خواست از تلاش برای ابقای بشار اسد در سوریه دست بردارند، دو تن از مقامات ارشد نیروهای مسلح خواستار ایستادگی در برابر طرح های امریکا درباره سوریه شدند.

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح کشور حکومت اسلامی، طی اظهاراتی در «دانشگاه عالی دفاع ملی» گفت: «تهدید نظامی سوریه توسط امریکا را باید با یک اندیشه راهبردی مورد توجه قرار داد، اگر از این نگاه به این مسأله بنگرید، می بینید طرح حمله امریکا به سوریه در چارچوب یک طرح کلان تر است و یک پروژه نظامی است که اگر این طور نگاه کردید، سرنوشت راهبردی امریکا را آینده نگری کردید.»

حسن فیروزآبادی، هم چنین با گفتن این که «حمله به سوریه یک علامت و شروع یک بازی است» خواستار ایستادگی در برابر مواضع ایالات متحده درباره سوریه شده و افزوده: «توجه به این نگاه باید در مقابل این طرح امریکا ایستاد.» رئیس ستاد کل نیروهای مسلح با بیان این که «روسیه و جمهوری اسلامی ایران پیوندهای جبهه مقاومت با سوریه را دارند» حمایت از بشار اسد را یک اندیشه راهبردی دانسته و تأکید کرده: «حاکمیت اسد در سوریه یک نیروی راهبردی در برابر امریکاست و آن هائی که مرعوب هستند می گویند بهتر است که سوریه فعلا چیزی نگوید و اجازه دهد بمب های امریکا بر سر این کشور فرو بریزد. در حالی که کسانی که این جنگ را تهدیدی راهبردی می دانند، فقط از ایستادگی سخن می گویند.»

هم زمان با حسن فیروزآبادی، رئیس ستاد تبلیغات دفاعی نیروهای مسلح کشور نیز در گفت و گونی با خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران، اعلام کرد که «توطئه نظامی امریکا نسبت به سوریه فقط کم رنگ شده و متحدان و دوستان سوریه فریب حيله های کاخ سفید را نخواهند خورد.»

سرتیپ پاسدار مسعود جزایری، اضافه کرده است که «اکنون امریکا رویکرد خود در منطقه را تغییر داده، اما این تغییر رویکرد به معنای دل سوز بودن امریکا برای ملت سوریه نخواهد بود. امریکا مطمئن شده است که اگر به سوریه حمله کند، با مقابله به مثل سنگین تری مواجه خواهد شد.»

علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی هم در تماس تلفنی با رئیس مجلس شعب سوریه تأکید کرده است که «با استمرار مقاومت ها، سوری ها پیروز نهایی خواهند بود و دشمنان این کشور در خارج از مرزها نتیجه ای نخواهند گرفت.»

سرتیپ پاسدار حسین سلامی جانشین فرمانده کل سپاه هم در ۳۱ مرداد ماه سال جاری اعلام کرد که ایالات متحده امریکا با طرح حمله نظامی به حکومت سوریه به دنبال ممنوعیت، محدودیت نفوذ حکومت اسلامی در منطقه و البته مذاکره است.

او، با تأکید بر این که امریکا «سه استراتژی برای مذاکره» با جمهوری اسلامی را دنبال می کند، گفته بود: «اولین استراتژی که امریکا در قبال ایران دنبال می کند این است که ایرانی ها را درگیر کند و اجازه آزادی عمل به آنان ندهد. دومین استراتژی امریکا این است که ایران را مهار کند. امریکا به دنبال آن است که نگذارد سیاست های ایران در سوریه اعمال شود و می خواهد شعاع نفوذ ایران را کاهش دهد.»

او، تأکید کرده بود: «استراتژی دیگری که امریکا به دنبال آن است بازدارندگی است. امریکا می خواهد ایران دست از تهاجمش به منافع دنیای غرب بردارد و بعد از این امریکا به دنبال مذاکره با ایران است...» گفته می شود دلیل عدم حضور روحانی در ضیافت ناهار بان کی مون، سرو شراب و مشروبات الکلی در این ضیافت بوده و وی به همین دلیل از حضور در این مراسم خودداری کرده است.

برخی اصول گرایان از مخالفان چنین مذاکراتی هستند. صادق لاریجانی، رئیس قوه قضائیه، در همین زمینه چنین گفته است: «همان گونه که مقام معظم رهبری در جمع فرماندهان سپاه اشاره داشتند دولتمردان و سیاستمداران کشورمان باید به شخصیت و رفتار و منش واقعی امریکا توجه داشته باشند. مذاکره باید در چارچوب شناخت جامع و کامل طرف مقابل باشد و حبله ها و تزویرهای امریکا را نباید فراموش کنیم و نباید یادمان برود که در جریان فتنه آنان چگونه از این جریان حمایت کردند و در پس دست های مخملی خود با چنگال هائی چدنی و فولادی در صدد مقابله با ملت بزرگ ایران برآمدند.»

پیش تر، علاءالدین بروجردی، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس هم امکان ملاقات میان حسن روحانی و بارک اوباما در حاشیه نشست سازمان ملل را منتفی دانسته بود.

یکی از تندترین موضع گیری ها را محمد حسین صفار هندی، مشاور فرمانده سپاه، اتخاذ کرده است. او که خود از سرداران سابق سپاه است و در دولت نخست احمدی نژاد وزیر فرهنگ و ارشاد بود، به ایالات متحده هشدار داده است که در صورت حمله به ایران «در روز نخست جنگ ایران و امریکا، ۳۰ هزار کشته روی دست امریکائی ها خواهد ماند، تا امروز بیش از پنج هزار نیروی امریکائی در عراق کشته شدند به همین دلیل امریکا طاقت ایجاد جنگ جدید را ندارد.»

این در حالی است که بارک اوباما در آخرین مصاحبه تلویزیونی اش از اراده حسن روحانی برای مذاکره مستقیم با ایالات متحده استقبال کرده و گفته می خواهد این موضوع را امتحان کند.

فرماندهان نظامی حکومت اسلامی کشورهای لبنان، سوریه و عراق را «خط مقاومت» یا «محور مقاومت» می خوانند و معتقدند با حمایت از دولت های آن ها یا گروه های مسلح هم سو با حکومت اسلامی از آن چه «عمق

استراتژیک جمهوری اسلامی» می نامند دفاع می کنند. به همین دلیل، بحران سوریه، به یکی از چالش های مهم سران و مقامات حکومت اسلامی در منطقه تبدیل شده است.

اظهارات تهدید آمیز سرداران سپاه در خصوص سیاست خارجی در شرایطی مطرح می شود که هفته گذشته حسن روحانی و آیت الله خامنه ای هر دو در دیدار با فرماندهان این نهاد نظامی به طور تلویحی از سپاه خواسته بودند از عرصه سیاست دوری کند.

مؤخره

در یک کلام حکومت اسلامی ایران، حکومت جانپان و تروریست ها و گروه های مافیائی و تبه کار آدم کش و غارتگر است. سران این حکومت در جهان، به دشمن درجه یک آزادی های فردی و جمعی معروفند. به این ترتیب، بسیار روشن است که روحانی در رابطه با نقش سپاه، نه تنها نصف حقیقت را به زبان می آورد و آن هم نقش سپاه در سیاست های کلان اقتصادی کشور است اما او، نصف حقیقت را مخفی می کند. یعنی هم اکنون جامعه ایران، آستان حوادث مختلفی است. هم اکنون بخش اعظم شهروندان ایران، با نگرانی سر به بالین می نهند و با نگرانی نیز بیدار می شوند. چرا که نه امنیت شغلی دارند و نه امنیت اقتصادی. گرانی و بی کاری و بی کارسازی های وسیع و فقر اکثریت مردم ایران را زمین گیر کرده است. حتی آدم های معمولی نیز این مسأله را می دانند که بیش تر از این نمی توان این همه بی حقوقی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و زورگوئی ها و قلدری های حکومت را تحمل کرد. یعنی دیر یا زود جامعه ایران مانند یک بمب انفجاری منفجر خواهد شد و صدای آن خواب را از چشمان حاکمان قداره بند خواهد ربود. در واقع فاکتور مهم و سرنوشت ساز مردم و در پیشاپیش همه طبقه کارگر را هیچ کس نمی تواند انکار کند. از این رو، دولت روحانی برای سرکوب و گشتار مردمی که به پا برمی خیزند تا حق خود را از سرمایه دارن و حکومت آن ها بگیرند به سپاه پاسداران نیاز دارد.

هم چنین در سطح بین المللی نیز با وجود این که بده و بستان های مخفی و علنی دولت روحانی با دولت های قدرت مند جهانی هم چون فرانسه، امریکا، انگلستان و...، با حمایت سیدعلی خامنه ای رهبر حکومت اسلامی، بر سر فعالیت های اتمی اش در جریان است. اما موقعیت حکومت اسلامی در منطقه پرتلاطم و در حال تغییر خاورمیانه، بسیار ضعیف و شکننده است. زیرا اگر دولت امریکا و حامیان آن، به سوریه حمله کنند که به نظرم نهایتا این حمله صورت خواهد گرفت بی تردید مستقیم و غیرمستقیم پای حکومت اسلامی ایران نیز به این جنگ کشیده خواهد شد.

اما مواضع برخی فرماندهان سپاه و فرمانده بسیج، نشان می دهند که بده و بستان های حکومت اسلامی با رقبای غربی خود و در رأس همه «شیطان بزرگ» چند سهل نخواهد بود و کشمکش های جناحی درونی حکومت اسلامی را تشدید خواهد کرد. اما بزرگ ترین نگرانی و ترس سران و مقامات حکومت اسلامی، از خیزش های احتمالی مردمی در داخل کشور است. به همین دلیل، اکثریت وزیران شیخ حسن روحانی، یا سابقه فعالیت های امنیتی دارند و یا در دولت های میرحسین موسوی، هاشمی رفسنجانی، محمد خاتمی و محمود احمدی نژاد، وزیر بوده اند و در همه سرکوب های مردمی و زندان و شکنجه و اعدام سرکوب سیستماتیک زنان و سانسور و تحمیل همه گونه بی حقوقی بر اکثریت مردم ایران، نقش مستقیم داشتند. وزیرانی که از جمله دستور ترور مخالفین در داخل و خارج کشور را در کارنامه خود دارند. خود روحانی در معرفی وزرای پیشنهادی خود به مجلس شورای اسلامی، به صراحت گفته بود: «به امنیتی بودن کابینه افتخار می کنم.»!؟

روحانی، به دلیل فعالیت در ارگان های امنیتی، به ویژه عضویت در شورای عالی امنیت ملی در حدود دو دهه، روابط خوبی با بسیاری از مدیران وزارت اطلاعات و فرماندهان سپاه دارد. روحانی، حتی دو روز پس از اعلام پیروزی اش، با فرماندهان سپاه ملاقات کرد و از آن ها خواست به دولت او کمک کنند.

روحانی و مشاورانش در انتخاب وزیران، به دو موضوع اهمیت ویژه ای داده اند: یکی این که افرادی را انتخاب کنند که در مذاکره و معامله و سازش با غرب تجربه دارند. در این مورد می توان به محمد جواد ظریف اشاره کرد که به عنوان وزیر امور خارجه انتخاب شده است.

دوم این که در رابطه با سرکوب شورش های احتمالی در شهرها، برای سرکوب و کشتار، چهره هائی انتخاب کرده اند که در دوره های گذشته، مستقیماً در ترورهای داخل و خارج کشور و قتل عام زندانیان سیاسی و...، مسؤلیت مستقیم داشتند. در این مورد نیز می توان به علی ربیعی وزیر کار، محمود علوی وزیر اطلاعات، حمید چیک چیان وزیر نیرو، عباس آخوندی وزیر شهرسازی، فضلوی وزیر کشور، جنتی وزیر ارشاد و پور محمدی وزیر دادگستری اشاره کرد.

در واقع همه وزرای روحانی، از میان جنایت کارترین عناصر با سابقه حکومت اسلامی انتخاب شده اند؛ حتی برای برخی از آن ها در کشورهای مختلف جهان، به دلیل ترور مخالفین و یا بمب گذاری ها و ترورهای مختلف پرونده تروریستی تشکیل شده است. همه آن ها، جزو محرم ترین و نزدیک ترین چهره های بارگاه حکومت اسلامی، به شمار می آیند. بنابراین، دولت جدید حکومت اسلامی ایران با ریاست روحانی، یکی از امنیتی ترین کابینه ها در طول عمر این حکومت است.

سایت الف، وابسته به توکلی نماینده مجلس، نوشته است: «سابقه «کلید» برای باز شدن گره رابطه ایران و آمریکا، مسبوق به سابقه است. سال ها پیش مک فارلین اولین بار برای آشتی با خود يك «كيك» به ایران آورد که از قضا شبیه «کلید» بود.

حسن روحانی، در اولین مصاحبه تلویزیونی اش، در حالی که همه حتی مجری فکر می کردند برنامه تمام شده، دست در جیب عبایش کرد و يك کلید نمادین بیرون آورد و گفت: «همه چیز با کلید تدبیر» قابل حل شدن است. از همان زمان به بعد «کلید» نماد تبلیغاتی او شد.

این تبلیغات حتی بعد از انتخاب حسن روحانی به سمت ریاست جمهوری نیز ادامه پیدا کرد اما نه در حوزه دولتی، بلکه در میان مردم. طنزها و لطیفه ها و اشعاری که مردم درباره باز شدن گره ها با «کلید روحانی» ساختند اکنون نیز «نرمش قهرمانانه» خانه ای به یک طنز پرطرفدار دهان به دهان میان مردم می چرخد.

در دوره ای، گفته می شد که به همراه یک «كيك کلیدی» و «سه قبضه کلت کمری» يك انجیل نیز به امضای ریگان به مسوولان ایرانی اهدا شده بود. در تاریخ ۸ بهمن ۱۳۶۵ نیز ایران انجیل هدیه شده ریگان را با دست خط و امضای وی که برای مسوولان ایرانی ارسال شده بود، به نمایش گذاشت و به گفته هاشمی رفسنجانی هم اکنون در موزه قرار دارد. حالا چشم ها متوجه کلید روحانی است. کلیدی که شاید در مجمع عمومی ملل متحد، حتی لشکرکشی آمریکا به سوریه را نیز تحت الشعاع خود قرار دهد. روحانی، هم اکنون در نیویورک، مشغول آموزش «نرمش قهرمانانه» است.

آیا تاریخ روابط حکومت اسلامی ایران و حکومت امریکا، تکرار خواهد شد؟ خمینی، هنگام امضای قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل، گفته بود: «جام زهر را سر کشیدم!» آیا خامنه ای نیز خمینی جام زهر را سر خواهد کشید؟

اما واقعیت این است که حکومت اسلامی ایران، در ماجرای بحران هسته ایش با یک بن بست کامل روبرو شده است. از این رو، سازش و عقب نشینی در این زمینه را آغاز کرده است. اما رسیدن به یک سازش با غرب چندان ساده نیست

و بسیار مخاطره آمیز است. در بحران هائی که حکومت اسلامی را گرفته بعید به نظر می رسد که در شرایط کنونی بتواند از رقبای خود امتیازی بگیرد. اعلام سیاست «نرمش قهرمانانه»، به این معنی است که سران حکومت اسلامی، به بن بست رسیده اند و راهی جز سازش و عقب نشینی در مقابل دولت امریکا و متحدین غربی آن ندارند. اکنون باید منتظر ماند و دید آیا خامنه ای نیز همانند خمینی، جام زهر را نوش جان خواهد کرد یا نه؟!

در اوضاع و احوال کنونی منطقه و جهان، حکومت اسلامی ایران، آن چنان در بحران های عمیق اقتصادی و سیاسی و بین المللی خود فرو رفته که با هیچ نسخه ای نمی توان آن ها دور زد. از این رو، حکومت اسلامی ایران، محکوم به شکست و نابودی است. اما این شکست و نابودی حکومت اسلامی ایران، ممکن است از دو طریق کاملا متضاد و متفاوت اتفاق بیفتد: ۱- ایران نیز با حملات خارجی به فاجعه عراق و افغانستان و لیبی دچار خواهد شد و ۲- یا مردم آزاده ایران و در پیشاپیش همه طبقه کارگر آگاه و متشکل با متحد کردن جنبش های اجتماعی در یک صف متحد طبقاتی، حکومت اسلامی را با استراتژی سیاسی - طبقاتی خود سرنگون سازد و حکومتی آزاد و برابر و انسانی را در جامعه ایران، به قدرت برساند! اولی به جنگ داخلی و تروریسم دولتی و غیردولتی منجر می شود و در نتیجه شیرازه جامعه از هم می پاشد و هیچ شهروندی، حتی امنیت جانی نیز نمی کند. اما در دومی، بدون جنگ و خونریزی، سانسور و اختناق، سرکوب و زندان، شکنجه و اعدام و فقر، همه شهروندان بدون توجه به ملیت، جنسیت، باورهای سیاسی و مذهبی شان، از حقوق یک سان و برابر برخوردار می شوند و در چنین موقعیتی، ابتکارات و خلاقیت های مردم جامعه مان، به ویژه جوانان در همه عرصه های اقتصادی، تکنولوژیکی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی رشد و شکوفا می گردد!

چهارشنبه سوم مهر [میزان] ۱۳۹۲ - بیست و پنجم سپتامبر ۲۰۱۳